

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بهرام رحمانی
۲۲ جولای ۲۰۲۱

انقلاب روژاوا وارد ده سالگی خود شد!

در ابتدا سالگرد انقلاب ۱۹ ژوئیه را به تمامی نیروهای آزادیخواه و برابریطلب روژاوا و حامیان منطقه‌ای و بین‌المللی آن تبریک می‌گویم. راه روژاوا راه تحقق آرمان‌ها، آرزوها و مبانی یک انقلاب آزاد و دموکراتیک و راه جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم است. ضرورت دارد که هر نیروی آزادیخواه و برابریطلب و عدالتجو برای دفاع و محافظت از دستاوردهای آن تلاش کند که با صرف هزینه‌های بسیاری از سوی طیف‌های مردم کرد و غیرکرد روژاوا و حامیان آن کسب شده است. مسلماً تا زمانی که مناطق اشغالی همچون عفرین، سریکانی و گریسپی و بازگشت آوارگان به مناطق خود محقق نشده است مبارزات یگان‌های مدافع خلق روژاوا، همچنان ادامه خواهد یافت.

جنگ داخلی در سوریه که از سال ۲۰۱۱ آغاز شده است، تا کنون از سوی نیروهای نیابتی و قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای ادامه دارد. این جنگ ده سالگی خود را به پایان گذاشته است. در این جنگ مردم کرد، نه هژمونی امریکا، نه دولت‌های اروپائی و نه نیروهای شبه‌نظامی و حافظ وضع موجود منطقه‌ای و نه حکومت سوریه را پذیرفته‌اند. آن‌ها در میان این جنگ خط سوم را انتخاب کرده‌اند.

مردم کرد در ۱۹ ژوئیه ۲۰۱۲ در کوبانی دست به اعلام سیستم کانتونی شده و مسیر سوریه‌ای دموکراتیک و روژاوانی خودمدیریتی را مبنای عمل سیاسی با روابط و مناسبات شورائی خود قرار داده است. بعد از کوبانی، عفرین و قامشلو نیز همین مسیر را طی کردند و کانتون‌ها خود را تأسیس کردند.

انقلاب روژاوا روزنه امیدی در خاورمیانه سیاه برای همه خلق‌های این منطقه مبدل شد. انقلاب روژاوا با استراتژی «راه سوم» که از سوی عبدالله اوجالان طرح شده است پا به ده سالگی گذاشت. یعنی نه با حکومت مرکزی و نه با مخالفان آن همراه نشد و راه مستقل خود با اتکا به نیروهای مردمی انتخاب کرد.

روژاوا در ۱۹ ژوئیه سال ۲۰۱۲ به پیروزی رسید. از آن تاریخ این مدل سیاسی جدید دوستان و دشمنان زیادی پیدا کرد. با این وجود روژاوا در این ۹ سال با وجود همه جنگ‌ها و فشارها و محاصره اقتصادی تاکنون سربلند بیرون آمده است.

گرامی‌داشت ۹مین سالگرد انقلاب روژاوا با شرکت ده‌ها هزار نفر از مردم آزادیخواه و برابریطلب، نهمین سالگرد انقلاب روژاوا در شهر قامشلو برگزار شد. این مراسم با شعار «با روحیه انقلاب ۱۹ ژوئیه به اشغال‌گری پایان دهیم و پیروزی را ضمانت کنیم» برگزار شد.



عصر روز ۱۹ ژوئیه ۲۰۲۱- ۲۸ تیرماه ۱۴۰۰، با شرکت دهها هزار نفر از شهروندان روژاوا در استادیوم جانباختگان ۱۲ مارس، مراسم باشکوه گرامی‌داشت نهمین سالگرد انقلاب ۱۹ ژوئیه برگزار شد.

این مراسم از سوی اداره خودمدیریتی دمکراتیک اقلیم جزیره سازماندهی شده بود. دهها هزار نفر از مردم کرد، عرب، سریانی، ترکمن و چرکس با لباس‌های محلی خود در این مراسم شرکت کرده بودند.

استادیوم ۱۲ مارس با شعارهایی «اداره خودمدیریتی متعلق به ماست»، «زنده‌باد برادری خلق‌ها»، «از سرزمین انقلاب درود به مقاومت گریلا» پرچم‌های کنگره ستار، پ.ی.د، اداره خودگردان شمال و شرق سوریه، مجالس خانواده جانباختگان، جانباختگان ۱۹ ژوئیه و تصاویر عبدالله اوجلان که وی را در همه روژاوا «رهبر» خطاب می‌کنند مزین شده بود.

مراسم با یک دقیقه سکوت در احترام به جانباختگان راه آزادی آغاز شد. پس از رژه اعضای سازمان‌ها و نهادهای روژاوا، بیانیه‌هایی از اداره خودمدیریتی دمکراتیک در اقلیم جزیره، حزب اتحاد دمکراتیک، کنگره ستار و ی.پ.ژ قرائت شدند. سپس گروه‌های هنری و فرهنگی به ارائه آثار خود پرداختند.

خلق روژاوا پیش از این انقلاب همواره از سوی سیستم ملت - دولت همواره سرکوب شده و حتی وجود کردها در این کشور انکار شده بود. برای مثال، در سال ۱۹۹۳ بسیاری از سیاستمداران کرد در زندان حسکه، زنده‌زنده سوزانده شدند. در ۱۲ مارس سال ۲۰۰۴، قتل‌عام قامشلو روی داد. با این وجود مردم کرد، به مبارزه رهایی‌بخش خود ادامه دادند و نیروهای دفاعی خود را سازمان دادند.

خیزش مردمی تحت عنوان در سال ۲۰۱۰ در تونس، دست‌فروشی به نام «محمد بوعزیز» در مقابل فشار پولیسی که به وی وارد شده بود دست به خودسوزی زد و این مسأله هم سرآغازی برای جنبش بزرگی شد که «بهار عربی» نام گرفت. سال ۲۰۱۱ این جنبش سوریه را نیز فرا گرفت.

اما خیزش مردم سوریه طولی نکشید که توسط نیروهای امنیتی و ارتش دولت سوریه به خاک و خون کشیده شد. این هم سرآغازی بود که نیروهای اسلامی و خارجی هم وارد این درگیری‌ها شدند.

در ماه ژوئن ۲۰۱۱ در بعضی مناطق دسته‌های مسلح پدید آمده به هم پیوستند و در دوم ژوئن ۳۰۰ نفر از اعضای اپوزیسیون سوری در آنتالیا با گردهمایی کنفرانسی را تحت عنوان تغییر در سوریه برگزار کردند. در نتیجه این کنفرانس کمیته‌ای متشکل از ۳۱ نفر تشکیل شد.

بعد از این کنفرانس گروه اسلامی اخوان المسلمین و ارتش آزاد سوریه موجودیت خود را اعلام کرد. در ۱۱ اکتبر از شبکه سیاسی AAS، شورای ملی سوریه (KNS) تشکیل شد.

۱۹ ژوئیه و قبل از آن که ارتش آزاد سوریه اعزاز، منبج و جرابلس را به کنترل خود درآورد، جنبش جامعه دمکراتیک TEV-DEM فعالیت‌های خود را از کوبانی آغاز کرده و ادارات را به کنترل خود درآورد. همان‌طور که اشاره شد این جنبش با استراتژی «راه سوم» این حرکت را آغاز کرد. این جنبش نه همکاری حکومت بشار اسد و نه مخالفان دولت سوریه نپذیرفت و به طور مستقل وارد مبارزه رهایی‌بخش شد.

با اعلام خودمدیریتی دمکراتیکی که کردها همراه با اعراب، سریانی‌ها، ارمنیان و چچن‌های روژاوا ایجاد کردند، روژاوا به امن‌ترین منطقه سوریه تبدیل شد.

اما گروه مسلحی که تحت عنوان جبهه النصره و ارتش آزاد سوریه که با حمایت دولت ترکیه فعالیت داشتند، بعد از آن‌که در قسطل جندوی عفرین، در شیخ مقصود و حلب و سریکانی با شکست مواجه شدند، جای خود را به نیروهای داعش دادند. از همین رو بعد از شکست این نیروها، دولت ترکیه نیروهای داعش را به سوی روژاوا هدایت کرد و امکانات و سلاح‌های زیادی نیز در اختیار این گروه گذاشت تا روژاوا را تسخیر کنند.

حملات وحشیانه داعش تا دندان مسلح به کوبانی در سال ۲۰۱۴، به سرآغازی برای درهم شکستن داعش در نوروز - ۲۱ مارس سال ۲۰۱۹ - بدل شد. نیروهای داعش در نوروز سال ۲۰۱۹ در روستای باغوز از توابع دیرالزور با حمله نیروهای سوریه دمکراتیک کاملاً شکست خوردند.

دولت ترکیه از نخستین روز پیروزی انقلاب روژاوا حملات خود را به کردهای سوریه آغاز کرد. ترکیه برای دستیابی به اهداف غیرانسانی و اشغال‌گرانه خود از داعش استفاده کرد. همچنین جریان بارزانی هم با سیاست‌های اشغال‌گرانه ترکیه همراه بود و هنوز هم هست و حتی در مرزهای خود با روژاوا خندق کند تا آوارگان نتوانند وارد اقلیم کردستان عراق شوند. هنوز هم این همکاری قبیله بارزانی بر علیه مردم کرد و روژاوا و پ.ک.ک ادامه دارد. خود دولت اقلیم کردستان عراق، نمونه آشکاری و بزرگی برای نشان دادن شکست نظریه دولت-ملت است.

حمله داعش به ایزدی‌های عراق و به دنبال آن محاصره کوبانی در شمال سوریه نام یگان‌های مدافع خلق «ی پ گ» و یگان‌های مدافع زنان «ی پ ژ» را جهانی کرد.

در اوت ۲۰۱۴ نیروهای «ی پ گ» و «پ ک ک» در جنگی خونین مسیری را از قلب مناطق تحت کنترل داعش در سوریه به کوهستان محاصره شده سنجار باز کردند.

در سال ۲۰۱۴ داعش در سوریه و عراق در حملات برق آسا ده‌ها شهر کوچک و بزرگ را تصرف کرد. «شریعت اسلامی» را پیاده کرد و رقه را پایتخت خودخوانده خلافت اسلامی خواند.

اما در ۱۳۰ کیلومتری رقه نیروهای کرد در کوبانی برای ماه‌ها مقابل داعش مقاومت کردند. در یک سو ترکیه مرزهایش را به روی کوبانی بسته بود و در سه طرف داعش آن‌ها را محاصره کرده بود. مقاومت کردها افکار عمومی جهانیان را با خود همراه کرد و بالاخره باراک اوباما رئیس جمهور وقت امریکا تصمیم گرفت از هوا به داعش حمله کنند. این پوشش هوایی و مقاومت قهرمانانه نیروهای مدافع خلق به پیروزی کردها و شکست محاصره کوبانی انجامید. در واقع شکست داعش از همین‌جا شروع شد.

نیروهای ارتش دمکراتیک سوریه موفق شدند شهر رقه را از تصرف نیروهای داعش بطور کامل خارج کنند. این نیروها پس از آزادسازی رقه در خیابان‌های این شهر به جشن و پایکوبی پرداختند.

استادیوم رقه آخرین محلی بود که از تصرف داعش خارج شده است. داعش پس از تصرف این شهر آن را بعنوان پایتخت دولت اسلامی اعلام کرده بود.

این پایتخت خود خوانده داعش از سال ۲۰۱۴ یعنی زمانی که پیشروی این گروه در خاک عراق و سوریه به خود سرعت گرفته بود تحت تصرف نیروهای ابوبکر البغدادی درآمد.

یگان‌های مدافع خلق با آزادی رقه پایتخت داعش، ضربه بزرگ دیگری را بر داعش وارد کردند. نیروهای کرد سوریه روز سه‌شنبه ۲۵ مهرماه ۱۳۹۶، پرچم خود را در استادیوم شهر رقه به اهتزاز درآورده و این شهر را آزاد اعلام کردند.

این نیروها شنبه گذشته اعلام کرده بودند که «آخرین» نبرد برای بازپس‌گیری شهر رقه، پایتخت خودخوانده داعش، در جریان است.

ناظر حقوق بشر سوریه در این‌باره گفته است در چهار ماهی که جنگ بین یگان‌های مدافع خلق کردهای سوریه و گروه حکومت اسلامی طول کشید حدود ۳۲۵۰ نفر کشته شده‌اند که از این تعداد یک‌سوم غیرنظامی بوده‌اند. بازپس گرفتن رقه، نماد اصلی خلافت داعش، تحول دیگری در زمینه نابودی این گروه و حکومت وحشت آن بر منطقه است. داعش ظرف یک سال گذشته بسیاری از مواضع استراتژیک خود را در عراق از جمله شهر موصل و سوریه از دست داده بود.

جنگ‌طلبان گروه حکومت اسلامی در سال ۲۰۱۴ رقه را به تصرف خود درآوردند تا به نخستین شهر تحت کنترل کامل این گروه تبدیل شود.

این شهر از آن زمان به نماد شیوه حکومتی داعش در منطقه تبدیل شد، حکومتی که در آن مردم به خاطر کوچکترین خطائی در ملاءعام اعدام بود؛ فیلم‌های منتشره از این اعدام‌ها بازتاب جهانی زیادی در پی داشت. همچنین از این شهر که مقصد بسیاری از جنگجویان خارجی برای پیوستن به گروه داعش بود عملیات‌های داعش در شهرهای اروپائی طرح‌ریزی می‌شد.

شهر الرقه با ۲۰۰ هزار نفر جمعیت در سال ۲۰۱۳ از کنترل دولت سوریه خارج شد و گروه‌هایی از معارضان تندرو، از جمله «جبهه النصره» و «ارتش آزاد سوریه»، آن را در اختیار گرفتند. در آغاز سال ۲۰۱۴ داعش الرقه را تصرف و آن را پایتخت خود اعلام کرد.

در شهر رقه واقع در شمال سوریه یک گور دسته‌جمعی دیگر کشف شد. پایگاه خبری «عربی ۲۱» گزارش داد که در این گور دسته‌جمعی، حدود سه هزار و ۵۰۰ جنازه کشف شده است که از آثار جنایات گروه تروریستی داعش به شمار می‌رود.

نیروهای امدادی محل این گورستان‌ها را در منطقه زراعی «الفخیخه» کشف کردند؛ یعنی پس از گذشت یک سال از تسلط «نیروهای دموکراتیک سوریه» بر رقه.

به گزارش عربی ۲۱، ده‌ها تل خاک در گوشه و کنار اراضی الفخیخه مشاهده می‌شود و در یک نبش قبر در این منطقه، ۱۲۰ جنازه کشف شد.

«اسعد محمد» که از مسئولان پزشکی قانونی در رقه است گفت که «این‌ها قبرهای فردی هستند و در کنار درخت‌ها، گورهای دسته‌جمعی وجود دارد و کسانی که به دست داعش اعدام شدند، در این منطقه دفن گردیده‌اند.»

اسعد با بیان این مطلب افزود: «در این گورستان حدود ۳۵۰۰-۲۵۰۰ جنازه وجود دارد، در حالی که گورستان ویژه حدود ۱۱۰۰-۹۰۰ جنازه به طور کلی حدود ۳۵۰۰ نفر در این گورستان‌ها دفن شده‌اند.»

هشت گورستان دسته‌جمعی دیگر نیز در اطراف شهر رقه کشف شده است که در یکی از این گورستان‌ها بیش از ۹۰۰ جنازه کشف شد.

محمد می‌گوید که «از زمان آغاز حضور گروه (داعش) در این استان، الفخیخه بزرگترین گور دسته‌جمعی در منطقه رقه است.»

وی همچنین تأکید کرد که کشف گورهای دسته‌جمعی یک واقعیت روتین وحشتناک شده است و یقیناً این مسأله در منطقه «الباغوز» (استان دیرالزور) تکرار خواهد شد.

محمد در پایان تأکید کرد که وضعیت در الباغوز - آخرین مقر داعش در دیرالزور - وخیم‌تر خواهد بود؛ زیرا درگیری در آن منطقه بسیار شدیدتر از رقه بود و افراد در بند داعش نیز جای دیگری ندارند که بتوانند به سمت آن فرار کنند. از ژانویه ۲۰۱۸، بیش از ۳۸۰۰ جسد در رقه کشف شده است و از میان این افراد، فقط ۵۶۰ نفر شناسائی و جسد آنان به خانواده‌شان تحویل داده شد تا آن‌ها را دفن کنند.

نیروهای دموکراتیک سوریه فوریه ۲۰۱۹ اعلام کردند عملیات برای آزادسازی آخرین منطقه‌ای را که در شرق فرات در کنترل داعش است، آغاز کرده‌اند. نیروهای داعش در منطقه‌ای به وسعت ۴ کیلومتر در نزدیکی روستای «الباغوز» از توابع منطقه «هجین» در شرق دیرالزور متمرکز شده‌اند.

مصطفی بالی مدیر مرکز اطلاع‌رسانی این نیروها به خبرگزاری رویترز گفت تاکنون بیش از بیست هزار نفر از شهروندان عادی که بیش‌تر آن‌ها خانواده‌های عناصر داعش هستند از منطقه تحت محاصره خارج شده‌اند. مصطفی بالی به نقل از افرادی که از این منطقه فرار کرده‌اند گفت هنوز در حدود ۵۰۰ تا ۶۰۰ جهادگرای وابسته به داعش همچنان در این منطقه حضور دارند. وی در این راستا گفت که «با تجربه‌ترین» نیروهای جهادگرای داعش که بیش‌تر آن‌ها خارجی هستند، در حال دفاع از آخرین پایگاه‌های این گروه در سوریه هستند.

وی پیش‌تر گفته بود که این آخرین عملیات علیه داعش در حومه دیرالزور است و این عملیات ده روز پس از تخلیه بیش از بیست هزار غیرنظامی و فراهم کردن مکانی امن برای شهروندان باقی مانده صورت خواهد گرفت. نیروهای دموکراتیک سوریه متشکل از یگان‌های مدافع خلق کرد و نیروهای عرب، از سپتامبر ۲۰۱۸ حمله به آخرین پایگاه گروه تروریستی داعش در شرق سوریه را آغاز کرده بودند.

سه‌شنبه هفتم اسفند ۱۳۹۷ - بیست و ششم فوریه ۲۰۱۹، نیروهای دموکراتیک سوریه (ق.س.د) بالغ بر ۴۰ کامیون از ساکنان منطقه آخرین سنگر داعش از جمله زنان و کودکان را از مناطق تحت اشغال داعش نجات داده و آنان را به مناطق امن انتقال دادند.

آخرین محلی که داعش در اختیار دارد، شهر کوچکی است به نام باغوز که در کرانه شرقی رود فرات و در نزدیکی مرز سوریه و عراق قرار دارد.

شبه‌نظامیان داعش و اعضای خانواده‌هایشان از مناطق تحت تسلط این گروه در شرق سوریه می‌گریزند در حالی که صدها زن و کودک همراه آنان در شرایط ناگواری هستند.

به گزارش منابع خبری، صدها مرد، زن و کودک که بعضی از آنان زخمی و بیمار هستند، منطقه‌ای به وسعت حدود پنجاه کیلومتر مربع را که آخرین منطقه تحت تسلط آنان در شرق سوریه بود ترک کردند. فراریان، خسته و با کمبود غذا و دارو مواجه هستند.

همچنین گروه‌هایی از فراریان داعش به روستای باغوز وارد می‌شوند و خود را به نیروهای دموکراتیک سوریه، تسلیم می‌کنند.

نیروهای سوریه دموکراتیک با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد که کردها در شمال سوریه داعشی‌های اسیر شده را آزاد نخواهند کرد و کشورهای آن‌ها برای بازگرداندن این داعشی‌ها اقدام کنند. در این بیانیه آمده است: وجود ۸۰۰

تروریست داعشی اسیر شده و ۱۵۰۰ نفر از کودکان و ۷۰۰ نفر از زنان داعشی‌ها به‌مثابه بمب زمان‌دار هستند و ممکن است در هر حمله‌ای بگریزند.

بسیاری از کشورهای اروپایی هنوز تصمیم مشخصی در مورد بازگشت نفرات داعش نگرفته‌اند و یا همچنان مخالف آن هستند. به گزارش کمیسیون اروپایی، بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۶ در مجموع ۴۲ هزار نفر به داعش پیوسته‌اند که نزدیک به پنج هزار نفر از آن‌ها شهروندان اروپایی هستند.

بنا بر آماری که «موسسه بین‌المللی مطالعات در مورد خشونت‌های سیاسی و افرای‌گری» در سال ۲۰۱۵ منتشر کرده بود بیش از صد نفر از شهروندان آمریکا، به صف داعش پیوسته‌اند.

یک مقام امنیتی عراقی که نخواست نامش افشا شود به خبرگزاری آسوشیتدپرس گفته است که نیروهای دموکراتیک سوریه تاکنون بیش از ۲۰ هزار نفر از داعشی‌ها و خانواده‌های آنان که تابعیت عراقی دارند را به اسارت گرفته است. قرار است این اشخاص با کاروان‌هایی از شمال سوریه به عراق منتقل شوند.

سرانجام نیروهای دموکراتیک سوریه اعلام کردند که آخرین سنگر جنگجویان داعش در حوالی «باغوز» را آزاد کردند. به این ترتیب، آخرین مرحله عملیات نیروهای دموکراتیک سوریه، علیه داعش تمام شد و هزاران داعشی به اسارت نیروهای سوریه دموکراتیک درآمدند.

این بار دولت ترکیه با شکست داعش نگران‌تر شد و حمله جنون‌آمیز و همه‌جانبه‌ای را برای اشغال عفرین به کار بست. حمله به عفرین در ۲۰ ژانویه ۲۰۱۸ و اشغال آن پس از آن ۵۸ روز مقاومت تاریخی نتیجه همکاری وحشیانه حکومت‌های ایران، روسیه، آمریکا و ترکیه نیز بر علیه مردم روژآوا علنی‌تر شد. ترکیه سپس در اکتبر ۲۰۱۹ پس از توافق با ایران، آمریکا و روسیه به گری‌سپی و سریکانی هجوم آورد و این دو شهر را به اشغال خود درآورد. هم در حمله به عفرین و هم در حملات اکتبر ۲۰۱۹ ارتش ترکیه از اسلحه‌های شیمیایی علیه مردم کرد استفاده کرد اما جامعه جهانی و سازمان‌های بین‌المللی غربی به این جنایت دولت اردو خان چشم بستند.

طبق بیانیه فرماندهی کل نیروهای سوریه دموکراتیک، مظلوم عیدی، کردها و دیگر خلق‌های منطقه در این نبرد بیش از ۱۱ هزار جان‌باخته را برای حفظ این انقلاب و برای رهایی تقدیم کرده‌اند.

دولت ترکیه و در راس همه رجب طیب اردو خان رئیس‌جمهوری این کشور، بزرگ‌ترین دشمن مردم کرد در منطقه است. «ارتش ملی سوریه» که مورد حمایت دولت ترکیه است ریشه‌اش به «ارتش آزاد سوریه» باز می‌گردد که در آغاز جنگ داخلی در این کشور از ده سال پیش، از شماری از جدانشدگان از ارتش سوریه و نفرات مسلحی که به آن پیوستند تشکیل شد و با حکومت بشار اسد می‌جنگید. این ارتش به زودی به طیفی از گروه‌های مسلح اسلامی، و جهادی گرفته تا گروه‌هایی که از دید غرب و ترکیه، «معتدل» به شمار می‌رفتند، تقسیم شد که مستقل از یکدیگر و گاه با یکدیگر می‌جنگیدند.

ترکیه با دادن تسلیحات، مهمات، پول و همچنین آموزش از شماری از گروه‌ها حمایت می‌کرد و چند پیش که عملیاتی را برای تسلط بر شرق فرات آغاز کرد، کوشید آن‌ها را در ارتشی منظم و حرفه‌ای تحت فرماندهی واحد شکل دهد تا هم هدایت از آن‌ها آسان‌تر صورت بگیرد و هم از هرگونه اصطکاک بین گروه‌های مسلح متفاوت جلوگیری شود.

بخشی از این گروه‌های تحت حمایت ترکیه در ادلب با نام جبهه آزادی‌بخش ملی و سپس در اوایل سال ۲۰۱۸، پیش از شروع عملیات ترکیه در عفرین، بخشی دیگر با نام «ارتش ملی سوریه» اعلام موجودیت کردند.

در اکتبر ۲۰۱۸ یعنی پنج روز پیش از اولین حمله ترکیه به شمال شرق سوریه، «ارتش ملی سوریه» با «جبهه آزادی‌بخش» در ادلب متحد و «ارتش ملی» تشکیل شد.

فرمانده این ارتش، ژنرال سلیم ادریس است که در زمان شروع جنگ سوریه اولین فرمانده «ارتش آزاد سوریه» بود و روابط نزدیکی با دولت ترکیه دارد.

«ارتش ملی سوریه» در عفرین و نواحی «سپر فرات» در شمال غرب سوریه، متشکل از چهار هزار جنگجوست که پس از پایان عملیات ترکیه در این مناطق مستقر شده بودند.

شمار جنگجویان جبهه آزادیبخش ملی، در ادلب به هفتاد هزار نفر می‌رسد. این گروه مسلح جدید شامل تمام چهار هزار جنگجوی ارتش ملی سوریه و بخشی از جنگجویان در ادلب است. هیچ آمار رسمی در باره حجم این نیرو در دست نیست ولی تلویزیون دولتی ترکیه (ت آر ت) جمع این نیروها را تا شصت هزار نفر گزارش کرده است.

یکی از فرماندهان این گروه به بی‌بی‌سی گفته است در اولین مرحله عملیات نظامی، از اولین گروه چهار هزار نفری، تنها چهارده هزار جنگجو برای جنگیدن در شمال شرقی سوریه در مرز مستقر شدند.

جیش الاسلام هم که گروهی افراطی در ادلب است، با این‌که بخشی از «ارتش ملی» نیست، در حمایت از ارتش ترکیه اعلام آمادگی برای جنگ کرده است. بیش از سی گروه مسلح از جمله چهار جناح بزرگ از نفرات ارتش جدیدند.

دو گروه از چهار جناح بزرگ، متشکل از جنگجویان ترکمن‌های سوری است که سالیان دراز در جریان عملیات نظامی ترکیه در سوریه از متحدان وفادار ترکیه بوده‌اند: تیپ‌های سلطان مراد و فیض سلطان محمد.

دو گروه بزرگ دیگر، شامل تیپ‌های حمزه و منتصر بالله است که در سال ۲۰۱۵ زیر نظر ارتش‌های ترکیه و امریکا مسلح شدند و آموزش دیدند. امریکا تا پایان سال ۲۰۱۷ از این دو گروه حمایت می‌کرد ولی این گروه‌ها دیگر مناسبات خود را با امریکا حفظ نکرده‌اند.

این گروه‌ها در عملیات نظامی سابق ترکیه در سوریه نقش کلیدی داشتند. همچنین گروه کوچکی از جنگجویان کرد شامل ۳۵۰ نفر، عضو ارتش ملی است. شماری از این عده کسانی‌اند که پس از آن‌که نیروهای موسوم به دموکراتیک سوریه (عمدتاً از نیروی مدافع خلق کرد) کنترل شمال شرقی کشور را به دست گرفتند، از این مناطق فرار کرده بودند. بعد از دو مرحله اول عملیات نظامی ترکیه در سوریه، تمام جنگجویان مخالف حکومت سوریه به عنوان «دستگاه امنیتی» در مناطقی که از سرزمین‌های روژآوا اشغال کرده‌اند، نگاه داشته شدند.

پس از عملیات عفرین توسط ارتش ترکیه و نیروهای تحت حمایت آن، گزارش‌های زیادی در این باره که آن‌ها به غارت و چپاول و کشتن غیرنظامیان دست زده‌اند، انتشار یافت. هنوز هم عفرین در اشغال این نیروهای مورد حمایت ترکیه است و دهه‌ها هزار تن از مردم این منطقه از خانه‌هایشان رانده شده‌اند و در اردوگاه‌های امن روژآوا مستقر شده‌اند.

اوایل اکتبر ارتش ترکیه دومین قدرت ناتو به همراه هزاران شبه‌نظامی اسلامی سوری از هوا و زمین حمله بزرگ خود به این منطقه را آغاز کردند. در شب حمله در مساجد ترکیه «اذان فتح» سر داده شد. شبه‌نظامیان «الله اکبر» گویان به مواضع کردها حمله کردند.

حمله ترکیه پس از تصمیم ناگهانی دونالد ترامپ، رئیس جمهوری وقت امریکا، برای خروج سربازان امریکایی از مناطق مرزی با ترکیه امکان‌پذیر شد. اما این حملات افکار عمومی جهان را با مردم کرد همراه کرد.

در واقع با چراغ سبز دونالد ترامپ به ترکیه در حمله به روژآوا، افکار عمومی مترقی جهان به حمایت از مردم روژآوا بوده است. ظاهراً اتحادیه اروپا و اتحادیه عرب حمله ترکیه به روژآوا را محکوم کردند.

در واقع حمله ترکیه به کردها را فرصتی برای جهانی شدن سیستم روژآوا به وجود آورد.

انور مسلم ریاست مشترک حزب اتحاد دموکراتیک اعلام کرده است: «خودمدیریتی، تنها مسیر برای نجات خلق‌های سوریه است. لازم است که نیروهای بین‌المللی و جامعه جهانی خودمدیریتی را به رسمیت بشناسند.»

انور مسلم را چند سال پیش در کنفرانس خاورمیانه در سلیمانیه ملاقات کردم. به نظرم جوان بسیار پرشور و صمیمی و دوست داشتنی است. ابتدا فکر کردم احتمالاً وی برادر صالح مسلم سخن‌گوی مشترک وقت روژآوا و یا فامیلش است اما گفت که نسبت فامیلی ندارند. در چند ماهی که داعش کوبانی را محاصره کرده بود انور مسلم فرماندهی نیروهای مدافع خلق این کانتون را بر عهده داشت.

آژانس خبری مزوپوتامیا به مناسبت نهمین سال‌گرد انقلاب روژآوا گفت‌وگویی را با انور مسلم ریاست مشترک حزب اتحاد دموکراتیک انجام داده است.

انور مسلم در این گفت‌وگو اعلام کرد که انقلاب روژآوا مسیر جدیدی را نشان داده است. انور مسلم اظهار داشت که سیستم انقلاب روژآوا سیستم جدید و برابری را پیش روی جامعه جهانی گذاشته است. انقلاب ۱۹ ژوئیه انقلابی است که بر اساس اراده خلق شروع شد، سوریه سیستمی بود که مملو از مشکلات بسیاری بود. حکومت بعث نتوانسته بود که این مسائل و مشکلات را حل کند. خلق‌های سوریه، کرد، عرب، سریانی و ارمنی و ترکمن و تمام سازمان‌های دیگر تحت سرکوب حکومت بعث قرار داشتند. در مقابله با این سرکوب‌های انقلاب ۱۹ ژوئیه به انقلاب خلقی تبدیل شد.

انور مسلم در این گفت‌وگوی ادامه داد که با انقلاب، تمام رنگ‌های خاورمیانه زیر یک عنوان گردهم آمده و در مقابل سیستم به بن‌بست رسیده بعث به مقاومت پرداختند. دولت‌های منطقه نیز با ذهنیت مرکزگرایانه و ملت‌پرست در مقابل آن جبهه گرفتند، دست به سیاه‌نمایی آن زدند و علیه آن دست به سرکوب زدند. اعلام کردند که این انقلاب تنها در راستای منافع خلق کرد قرار دارد، حافظ منافع عده‌ای خاص است. اما با وجود تمام سیاه‌نمایی‌های آنان، اکنون واقعیت این انقلاب برای همگان معلوم شده است. تمام خلق‌ها با حاکمیتی غیر متمرکز زیر یک عنوان گردهم آمده‌اند. برای نخستین بار است که خلق‌ها در یک زمینه مشترک خود را می‌یابند. زبان و اعتقادات نیز در این زمینه مشترک حفظ شده‌اند و برای آینده خود سیستم جدیدی را ایجاد کرده‌اند. اولین بار بود که خلق‌ها از چنین سیستمی برخوردار شدند. به زبان و اعتقادات و هویت همگان احترام گذاشته شد. برای آینده این خلق‌ها، سیستمی جدید ایجاد شد و همراه با این سیستم، سیستم خودمدیریتی ایجاد شد. خلق‌های قدیم خاورمیانه برای اولین بار بود که توانستند صاحب چنین سیستمی شوند.

انور مسلم در گفت‌وگوی خود با خبرگزاری مزوپوتامیا اظهار داشت که با انقلاب روژآوا، حیات جدیدی آغاز شد که در راستای منافع خلق قرار داشته باشد و این مسیر نشان داده است که ارزش‌های فرهنگی و هویتی خلق‌های مختلف چگونه حفظ و حراست می‌شود. به همین دلیل بود که حملات به روژآوا آغاز شدند. داعش بعد از حمله به سنگال به کوبانی حمله کرد و خلق‌های منطقه نیز این مسأله را درک کرده و به دفاع از خود دست زدند. تمام خلق‌مان در باکور کردستان همراه با دموکرات‌های ترکیه به کوبانی عزیمت کردند. با ذهنیت دشمنان انقلاب با داعش برخورد کرده و همه متحد شدند. داعش سیستمی است که علیه ارزش‌های انسانی دست به هر جنایتی می‌زند. از شمال-شرق سوریه و بسیاری از اکناف جهان، عده بی‌شماری به کوبانی آمدند و در میان صفوف دفاع از انقلاب جا گرفتند. تمام این موارد از جمله نتایج انقلاب ۱۹ ژوئیه هستند. بعد از آن بود که نیروهای سوریه دموکراتیک ایجاد شده و خلق سوریه در میان صفوف نیروهای سوریه دموکراتیک جا گرفتند. ما در این نبرد نزدیک به ۱۱ هزار نفر را از دست دادیم. رزمندگانی از تمام خلق‌ها با افکار و عقاید مختلفی وجود داشته‌اند و همین نشان می‌دهد که انقلاب روژآوا بر روی پایه‌های مستحکم بنا شده است. انقلاب روژآوا اجازه نداد که دولت به خلق‌ها تعدی کند. در مقابل نابودی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دست به مقاومت زد. تأثیرات انقلاب هم اکنون نیز مانند امواجی در سراسر جهان قابل مشاهده هستند.

انور مسلم در بخش دیگری از سخنان خود خاطرنشان ساخت که سیستمی که از طریق انقلاب ۱۹ ژوئیه ایجاد شده است، باید از سوی تمام نیروهای بین‌المللی نیز به رسمیت شناخته شود. از سال ۱۹۶۳ تا سال ۲۰۱۱ حاکمیت بعث حضور داشته است. سپس انقلاب خلق‌ها روی داد. حتی نیروهای اپوزیسیون سوریه نیز که وعده جنگ در مقابل حکومت بعث را دادند، کمتر از حکومت بعث دست به تعدی و حمله نزدند. در حالی که لازم بود علیه آنان دست به جنگ می‌زدند، اما ظالمانه‌تر از حکومت بعث عمل کردند. انقلاب سوریه با شعار آزادی، عدالت و برابری آغاز شد، اما هم اکنون نیروهای شبه‌نظامی را به لیبی و آذربایجان و بسیاری از مناطق دیگر می‌فرستد. دولت‌های منطقه‌ای نیز که ادعای نجات خلق سوریه از ظلم را داشتند، اکنون برای منافع خود وارد جنگ شده و عفرین، سریکانی، گری‌سپی را اشغال کرده‌اند. می‌خواهند در این مناطق سلطنت خود را برقرار سازند. افراد را از ازبکستان، ترکمنستان و تاجیکستان می‌آوردند تا در این مناطق مستقر شوند.

انور مسلم همچنین افزود خودمدیریتی نیروی دفاعی خود را تحت نام نیروهای سوریه دموکراتیک ایجاد کرده است و خلق هر دو را نیز پذیرفته و به آن اعتماد دارد. هدف از پروژه سوریه دموکراتیک این است که خلق‌های سوریه نیز به این پروژه پیوسته و به حیات آزاد و برابر بپیوندند.

انور مسلم در بخش پایانی گفت‌وگوی خود با خبرگزاری مزوپوتامیا اظهار داشت که نیروهای بین‌المللی خودمدیریتی شمال-شرق سوریه را نادیده گرفته و در این باره مجامع بین‌المللی را مورد انتقاد قرار داد. وی در این باره اظهار داشت که انقلاب روزآوا هم‌اکنون نیز با تهدیدهای بزرگی روبه‌رو بوده و لازم است که خودمدیریتی بتواند در تمام مجامع جهانی و سیاسی حضور داشته باشد. ترکیه نمی‌خواهد که خاورمیانه جوی بر اساس صلح و ثبات ایجاد شود و علیه دستاوردهای خلق‌های سوریه عمل می‌کند. ترکیه خود از داعش و گروه‌های دیگر تندرو حمایت می‌کند. به همین دلیل تنها راه رهائی خلق‌های سوریه از وضعیت کنونی به رسمیت شناخته‌شدن خودمدیریتی از سوی مجامع جهانی و ارائه موضع شفاف این کشورها در این باره است.

کردهای سوریه بسیار شدیدتر از کردهای ایران و ترکیه و عراق سرکوب شده بودند. حتی فرزندان کردهای سوریه، اجازه تحصیل در مدارس دولتی نداشتند و آن‌ها نیز به جای تابعیت کارت دیگری به نام کارت مکتوم دریافت می‌کردند. به عبارت دیگر، حق شهروندی‌شان سلب و حقوق اجتماعی و سیاسی‌شان بسیاری از کردهای سوریه نقض می‌شد. همچنین کردهای سوریه زیر این فشار، در مقایسه با کردهای ایران، عراق و ترکیه، در دهه‌های گذشته کمتر تاریخچه‌ای از اعتراضات یا تشکیل گروه‌های منتقد و معترض را دارند.

سال ۲۰۰۴، به دنبال یک مسابقه فوتبال بین تیم قامشلو و دمشق در مناطق کردنشین اعتراضاتی آغاز شد که از جمله معهود دفاعاتی بود که کردهای سوریه اعتراض کردند.

سرانجام با شروع اعتراضات در سوریه، بشار اسد، رئیس جمهوری این کشور تصمیم به اصلاحاتی گرفت که از جمله آن‌ها اعطای شهروندی به کردهائی است که کارت مکتوم و اجانب داشتند.

جالب است که بسیاری از ساکنان این مناطق کرد نیستند و حتی کردها در آن اکثریت را ندارند اما سیستم اداره شورائی این مناطق بر مبنای شیوه‌ای است که ابتدا در مناطق «روژآوا» ایجاد شد. «روژآوا» به معنای غرب است و به کردستان سوریه، یا آنچه کردها غرب کردستان می‌نامند اشاره دارد.

در سال ۲۰۱۲، پس از خروج نیروهای دولتی مرکزی از استان‌های کردنشین شمال سوریه، این مناطق تحت کنترل نیروهای کرد در آمد. مناطق آزاد شده کانتون خوانده شدند. کانتون یک نوع بخش‌بندی کشوری کوچک است که در این‌جا بخشی از کنفدراسیون‌های دموکراتیک شمال و شرق سوریه به حساب می‌آید.

یکی از این کانتون‌های معروف کنفدراسیون‌های دموکراتیک شمال سوریه کوبانی است که مقاومت اهالی آن در مقابل داعش وحشی و مخوف شهرتی جهانی یافت. در آن زمان سیستم سیاسی کردستان سوریه با عنوان خودمیریتی دموکراتیک «روژآوا» شناخته می‌شد.

مبنای روابط اجتماعی و قانونی در «روژآوا» با یک قرارداد اجتماعی انسجام یافت و اداره جامعه در «روژآوا»، به شیوه خودمیریتی دموکراتیک و از کوچکترین جوامع محلی و دموکراسی مستقیم آغاز شد.

اما آنچه امروز فدراسیون دموکراتیک شمال سوریه و شرق سوریه نامیده می‌شود بر مبنای قراردادی است که از به هم پیوستن آگاهانه و داوطلبانه سه کانتون جزیره، کوبانی و عفرین ایجاد شد.

در اواسط مارس ۲۰۱۶ هیأت‌های هماهنگی خودگردانی‌های دموکراتیک همه کانتون‌های روژآوا (کردستان سوریه) به نمایندگی از کردها، عرب‌ها، آشوری‌ها، و ترکمان‌ها در شهر رمیلان در شمال سوریه جمع شدند. نتیجه این اجتماع، تشکیل یک مجلس موسسان ۳۱ نفره و اعلام تاریخ برای برگزاری اولین انتخابات بود.

هر کانتون روژآوا از انجمن‌های محلی، شهرک‌ها و ناحیه‌ها تشکیل می‌شود که آن‌ها هم انتخابات خودشان را دارند. برای این مجلس موسس ریاست مشترک دو نفره یک مرد و یک زن تعیین شد. از آن پس ریاست واحدهای سیاسی همیشه دو نفره است که یک زن و یک مرد را شامل می‌شود. این سیاست ناشی از توجه ویژه به برابری زن و مرد نشأت می‌گیرد.

بر اساس قرار داد اجتماعی «روژآوا»، فدراسیون دموکراتیک شمال سوریه خود را متعهد به سه معیار اکولوژیک، دموکراتیک و آزادی زنان می‌داند.

بسیاری از تحلیل‌گران منطقه‌ای و جهانی بر این عقیده‌اند که منع چند همسری و ازدواج اجباری دختران در این جامعه به شدت سنتی و اسلامی، از جمله پیشرفت‌های بزرگ انسانی است که با اجرای کنفدرالیسم دموکراتیک تحقق پیدا کرد. منبع حقانیت این کنفدراسیون به آرای گروه‌ها و اجتماعات مردمی این جغرافیا منوط شده و از راه انتخابات آزاد و دموکراتیک تامین می‌شود.

آموزش و به کارگیری تمام زبان‌های موجود در تمام سطوح اجتماعی و سیاسی از دیگر موضوعات مورد تاکید در قرارداد اجتماعی «روژآوا» است.

هر کانتون «روژآوا» از انجمن‌های محلی، شهرک‌ها و ناحیه‌ها تشکیل می‌شود که آن‌ها هم انتخابات خودشان را دارند. بر اساس آنچه در «روژآوا» اعلام شده است انتخابات متعددی برای اعضای شهرداری‌ها و انجمن‌های محلی و کنگره دموکراتیک خلق‌ها در فضائی کاملاً آزاد و داوطلبانه و دموکراتیک برگزار می‌شود.

اگر عیماً به ایده و مدل خودگردانی و کنفدرالیسم دموکراتیک نگاه کنیم این مدل برای مناطقی که از نظر جغرافیای سیاسی اتحاد ندارد و پراکنده‌اند، بسیار کاربردی‌تر از سیستم‌های تمرکزگرا است، چرا که قادر است عناصر ناهمگن را گردآورد و در همه امور سیاسی و اجتماعی مشارکت دهد.

در ادامه روژآوا به حضور نیروهای دموکراتیک سوریه تبدیل شد که ائتلافی از نیروهای کرد، ترکمن، آشوری و عرب است با این حال، کردهای سوریه خود را در دو تشکل اصلی یگان‌های مدافع خلق (ی.پ.گ) و یگان‌های مدافع زنان (ی.پ.ژ) سازمان‌دهی کردند.

در ماه اوت ۲۰۱۴ بود که نیروهای «ی.پ.گ» در جنگی خونین راهروئی را از دل مناطق تحت کنترل داعش در سوریه به کوهستان محاصره شده سنجار باز کردند.

این دو سازمان مسلح و زبده، اما بعدها ستون فقرات گروهی بزرگتر تبدیل شدند که به نیروهای دموکراتیک سوریه (اس.دی.اف) شهرت یافتند.

کردهای سوریه بارها اعلام کرده‌اند که قصد جدائی از سوریه را ندارند و در عین حال درصدد تشکیل یک دولت-ملت کرد نیز نیستند. آن‌ها همچنین خود را منتقد و مخالف جریان‌های ناسیونالیست از جمله ناسیونالیست کرد می‌دانند. تشکیلات خودگردان شمال و شرق سوریه، همچنین بارها تاکید کرده‌اند که خواهان دموکراتیک شدن سوریه است. آن‌ها این شیوه مدیریتی را بر اساس مدل خودمدیریتی دموکراتیکی تعریف می‌کنند که عبدالله اوجالان رهبر زندانی پ.ک.ک در «جلد دوم مانیفست تمدن دموکراتیک» پیشنهاد داده است. مجله اشپیگل سال ۲۰۰۴، عنوان مصاحبه خود با آقای اوجالان را از سخنان وی برگرفت و نوشت: «خداحافظ دولت کرد.»

اوجالان می‌گوید سیستم سیاسی پیشنهادی وی، یعنی کنفدرالیسم دموکراتیک، ریشه در تاریخ ملت کرد دارد که هرگز دولتی نداشته‌اند.

نکته جالب در خصوص اجرای پیشنهاد سیستم سیاسی اوجالان در سوریه این بود که خود وقتی به ناچار از ترکیه فرار کرد به عفین در سوریه رفته بود.

اوجالان معتقد است این شکل از خودگردانی می‌تواند الگویی برای خاورمیانه باشد. این نزدیکی به ایده‌های عبدالله اوجالان و همچنین فعالیت حزب اتحاد دموکراتیک در مناطق کردنشین سوریه در سال‌های اولیه آغاز اعتراضات سوریه، از جمله دلایلی است که ترکیه ادعا می‌کند نیروهای کرد سوریه و متحدان محلی و منطقه‌ای آن، وابسته به حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک) هستند. در حالی که اداره خودگردانی شمال و شرق سوریه چنین ادعائی را رد می‌کند.

انقلاب روژاوا با سیستم اجتماعی، سیاسی، دیپلماتیک، اقتصادی، فرهنگی، نظامی و سیستم آزادی‌خواهانه و برابری‌طلبانه زنان و مردان نه فقط برای روژاوا، بلکه برای سوریه و تمامی خلق‌های منطقه، یک مدل مدیریت سیاسی جدید و جهان‌شمول است که می‌تواند مشکلات و مسائل این جوامع را به دموکراتیک‌ترین شکلی حل و فصل کند. اداره خودگردان شمال و شرق سوریه به مناسبت نهمین سالگرد انقلاب ۱۹ ژوئیه در بیانیه‌ای از سازمان ملل متحد درخواست کرده است تا خودمدیریتی شمال و شرق سوریه را به رسمیت بشناسد.

اداره خودگردان شمال و شرق سوریه در بیانیه‌ای که در شبکه‌های اجتماعی رسمی منتشر کرده اعلام می‌نماید که برای حاکمیت دموکراسی و عدالت در سوریه خودمدیریتی دموکراتیک شمال-شرق سوریه آماده است تا با طیف‌های آزادی‌خواه سوریه همکاری کند. اداره خودگردان همچنین از سازمان ملل خواسته است تا خودمدیریتی دموکراتیک شمال-شرق سوریه را به رسمیت بشناسد.

نه تنها بسیاری از کردهای ایران، عراق و ترکیه امیدوار بودند این آزمون در روژاوا موفق شود و شاید مدلی برای کردهای سایر مناطق باشد بلکه مردم غیرکرد منطقه نیز به این مدل توجه ویژه نشان دادند. وقتی که خبر حمله ترکیه منتشر شد، با نگرانی به فضای مجازی پناه آوردند تا خبری از روژاوا به دست آورند. بسیاری از مردم کرد و غیرکرد در شهرهای مختلف ایران و عراق و ترکیه و همچنین در کشورهای اروپائی به خیابان‌ها آمده و به حمایت از روژاوا راهپیمائی کردند.

در پایان می‌توانیم تاکید کنیم که سیستم مدیریتی «روژاوا» شورائی است. یک زن و یک مرد رهبری مشترک هر نهاد مدنی و امنیتی را به عهده دارند. زنان نیمی از جامعه محسوب می‌شوند و مادر و مدیر هم هستند. نقش زنان در جنگ با

داعش و سایر نیروهای اشغال‌گر بسیار چشم‌گیر است. در میان قربانیان جنگ عکس هزاران زن بر سنگ قبرها دیده می‌شود.

پس از شکست داعش نیروهای دموکراتیک سوریه به قدرتمندترین نیروی این کشور مبدل شدند. نیروی بدون نیروی هوایی و سلاح‌های سنگین پیشرفته.

در «روژاوا» چند همسری و ازدواج اجباری دختران در این جامعه به شدت سنتی و اسلامی ممنوع شد. متخلفان جریمه می‌شوند.

وقتی کودکان کردستان سوریه (روژاوا)، در آغاز سال تحصیلی ۲۰۱۶-۲۰۱۵ به مدرسه رفتند، سیستم آموزشی و برنامه تحصیلی‌شان بسیاری را شگفت‌زده کرد. سیستم سیاسی غرب سوریه در سال ۲۰۱۴ تأیید کرد که زبان کردی در مدرسه‌ها تدریس شود. بنابراین زبان کردی به برنامه آموزشی کلاس اول تا سوم اضافه شد و به عنوان یکی از زبان‌های تدریس در سطوح بعد نیز قرار گرفت. این اقدام، بی‌سابقه بود زیرا در طول حکومت حزب بعث، از سال ۱۹۶۳ زبان کردی در مدارس ممنوع بود و اگر معلمی به این کار مبادرت می‌کرد، بازداشت می‌شد.

اکرم حسو، مدیر «شورای اجرائی برای خودگردانی دموکراتیک» در استان الجزیره، به المانی‌تور گفته است: «تدریس زبان مادری در مدارس، یکی از شکل‌های رعایت حقوق فرهنگی است. رعایت این حقوق برای تمرین دموکراسی در هر کشوری، در اولویت هست. زمانی که شورای خودگردان دموکراتیک از طریق کمیته آموزشی خود تصمیم گرفت تا در برنامه آموزشی مدارس، زبان کردی را در کنار سریانی و عربی تدریس کند، یک موقعیت برای تدریس به زبان‌های مختلف با هدف اجرای دموکراسی، حفظ هم‌زیستی و میراث فرهنگی همه ساکنین روژاوا (بخش کردنشین سوریه) در اختیار این مردم قرار گرفت.»

حسو اضافه کرده بود: «ما به عنوان هماهنگ‌کنندگان (هیات مدیره) شورای خودگردان دموکراتیک در روژاوا، تصمیم گرفتیم که از این کار با تمام توان دفاع کنیم. ما عقب نخواهیم نشست زیرا توانائی رسیدن به دموکراسی در کنار انقلاب روژاوا وجود دارد. خودگردان دموکراتیک پتانسیل آن را دارد که یک سوریه جدید بسازد، سوریه‌ای متحد و فدرال برای همه. بنابراین ما می‌توانیم دموکراسی را به تمامی قلمرو سوریه تعمیم دهیم.»

پیش از انقلاب ۲۰۱۱، اقلیت‌های سوریه مانند کردها، آشوری‌ها و ترکمن‌ها تنها می‌توانستند در مدرسه به عربی درس بخوانند و از یادگیری زبان مادری خود محروم بودند.

مناطق تحت کنترل کردها در شمال سوریه یکی از امن‌ترین مناطق در سوریه است. جایی که اعراب، ترکمن‌ها، مسیحیان و کردها دوشادوش هم با داعش جنگیدند و در کنار هم زندگی متحدانه و برابری دارند.

البته سیستم شورائی روژاوا کمبودها و نواقصی دارد که بی‌تردید با نقد و بررسی صمیمانه و رفیقانه و در عین حال حمایت از آن، می‌توان آن‌ها را برطرف کرد. به همین دلیل این مدل سیاسی برای خاورمیانه و از جمله ایران مدل بسیار مناسبی است که ملیت‌ها و مذاهب مختلفی در کنار هم زندگی می‌کنند. اما نمی‌توان همان کپی روژاوا را در ایران پیاده کرد، بلکه به بهره‌گیری از تجارب مثبت روژاوا و نقد اشکالات و کمبودهای آن می‌توانیم خودمديريتي دموکراتیک با روابط و مناسبات شورائی را در ایران تاسیس کنیم. این راهی است که اگر طی شود از درگیری‌های احتمالی ملی و مذهبی و فروپاشی جامعه ایران جلوگیری خواهد کرد. بنابراین باید نظریه ملت-دولت خواهی را نقد کرد و کنار گذاشت و به جامعه‌گرایی و انسان‌گرایی و طبیعت‌گرایی تأکید ورزید!

سه‌شنبه سی‌ام تیر [سرطان] ۱۴۰۰ - بیست و یکم جولای ۲۰۲۱